

مشائے اخر الزمان



سید حسین حسینی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نشانہ ہمارے آخر الزمان

تألیف:

حجة الاسلام سيد حسين حسيني بابلكنارى



۱۳۸۱-۱۴۲۳

بابلکناری، سید حسین، ۱۳۱۵ -
نشانه‌های آخر الزمان / سید حسین بابلکناری. - قم: تپش، ۱۳۸۱.
۶۳ ص.
کتابنامه به صورت زیر نویس.
شابک: ۹۶۴-۹۳۲۳۹-۶-۱
۱. محمد بن حسن، امام دوازدهم (عج)، ۲۵۶ ق ۲. مهدویت
الف عنوان
ن ۵ / ۲ ب BP۵۱ ۲۹۷/۹۵۹



نشانه‌های آخر الزمان

مؤلف: حجة الاسلام سید حسین حسینی بابلکناری

ناشر: انتشارات تپش

نوبت چاپ: اول زمستان ۱۳۸۱

چاپ: برهان - قم

قطع، صفحه، شمارگان: رقعی، ۶۴، ۳۰۰۰

مرکز پخش: قم: خ صفائیه - پاساژ امام مهدی، شماره ۱۲۹، تلفن ۷۳۲۳۶۶

آدرس و تلفن ناشر: قم، خ آذر، ک ۲۱، پ ۹۸، تلفن: ۷۷۱۳۰۷۶

شابک ۹۶۴-۹۳۲۳۹-۶-۱ ISBN 964-93239-6-1

قیمت: ۳۵۰ تومان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	پیشگفتار:
۱۰	در خصوصیات شخصی و علائم مشخصه
۱۳	مقدمه
۱۵	نشانه‌های آخر الزمان در کلام امیر مؤمنان <small>علیه السلام</small>
۱۸	نشانه‌های آخر الزمان در کلام رسول گرامی اسلام <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۹	مسلمانان آخر الزمان
۲۰	غربت اسلام در آخر الزمان
۲۳	بعضی از علائم ظهور امام عصر (عج)
۴۳	وظیفه شیعیان در زمان غیبت چیست؟
۴۴	انتظار فرج یعنی چه؟
۵۳	نظر آقا سید حیدر آملی
۶۲	خروج دجال
۶۲	شنیدن صدای آسمانی

□ پیشگفتار:

السلام على الحق الجديد والعالم الذي لا يبيد، السلام على مٌحيى المؤمنين ومبير الكافرين... السلام على حجة المعبود وكلمة المحمود... السلام على ربيع الأنام وفطرة الأيام... السلام على بقية الله في بلاده وحجته على عباده... السلام على المهدي... (عج) آفریدگار بزرگ نه تنها بشریت که سر تا سر جهان هستی را با جهت‌گیری به سوی روشنی و کمال و تعالی آفریده است، و در این راه نه تنها همه قوای درونی و فطرت موجودات، که حتی بازتابهای بیرونی هستی و قوانین حاکم بر روابط متعکس آنها را نیز بر این اساس استوار ساخته و این است راز آنکه واژه نغز (حق) را در جای جای سرای تدوین پس از جهان تکوین در جریان می‌یابیم.

شاید برای وصول و دستیابی به هدف استوار الهی از آفرینش هستی و موجودات آن، از سر آغاز تکوین گرفته تا پایان سرای تدوین که به دست

توانای خاتم اوصیای الهی حضرت مهدی صاحب العصر و الزمان علیه السلام تحقق خواهد یافت؛ اندیشه و تدبّر در این واژه محوری، رساترین وسیله و تأثیرگذارترین باشد که هست، واژه‌ای که در همه جای معارف الهی و علوم اجتماعی در برابر چشمان تیز بین اندیشوران ایستاده و هرگز کنار نمی‌رود.

می‌بینیم خداوند متعال در کتاب هستی بخشش قرآن کریم خویشتن را به وصف زیبای «حق» می‌ستاید:

﴿فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ﴾ (۱)

(و در سوره حج ۶۲، در لقمان ۳۰، فاطر ۳۱، بقره ۱۴۴، احقاف ۳۰، مائده ۸۴، نور ۲۵، جاثیه ۳۲، فرقان ۲۶، نبأ ۳۹، احقاف ۳۴، مریم ۳۴، احقاف ۳۰ و فرقان ۲۶).

آنچه با دقت در جای جای معارف الهی به نظر می‌رسد آن است که: ذات قدوس حق تعالی جهان هستی را بر اساس قوانین ویژه تکاملی استوار ساخته است، و آفریدگان را درک و شعوری عطا فرمود تا با طی مسیر مستقیم هدایت راه او را در پیش گیرند و به رضوان او دست یابند، و البته در این میانه راهنمایان و پیشوایان بسیاری را در روزگاران گوناگون تعیین فرموده تا آموزه‌های او را به مردم برسانند اینها همه روشن است اما

نکته مهمی که اینجا در حکمت بالغه الهی خودنمایی می‌کند؛ جریان داشتن روح و جان او در جهان هستی است، و این روح الهی است که محور اساسی جهان هستی و مدار نور و تشعشعات انوار تابناک خداوندی بر عالمین است.

روحی که جلوه گرانی ویژه را می‌طلبد که توان همراه داشتن آن عظمت بی نظیر را داشته و بتواند سایه‌ای از جلال و عظمت الهی در عالم تکوین و تدوین باشند، آن اندازه به او نزدیک باشند که حق مطلق معرفی شوند، کلمه «حق» و کلمه الله باشند، چنانکه عیسی علیه السلام نیز اینگونه معرفی گردید^(۱) و یا همراه همیشگی و جدانا شدنی حق، معیار و محور تشخیص حق از ناحق، سره از ناسره و خدایی‌ها از بیگانگان با او شناسانده شوند که حضرت مولا امیر المؤمنین علی علیه السلام این گونه معرفی گردیده و می‌بینیم امام عصر حضرت مهدی علیه السلام نیز در موارد فراوانی از روایات و سخنان پیامبر و معصومین علیهم السلام عین حق نامیده شده که او نه تنها مظهر تام و کمال جلوه‌های جمال و جلال الهی، که بر پای دارنده همه زیبایی و خوبی‌ها و کمالات در دار نکبت و بلای دنیاست، او بر پادارنده روشنایی و نور در ظلمتکده بزرگی است که تجاوز گران و رهپویان شیطان بساط جلوه‌های الهی‌اش را بر چیده‌اند، او استوار کننده دادگری و انصاف و مروت در بیدادگاهی به گستردگی جهان است که ستمکاران و غارتگران سایه بیداد



تباهی و نامردی بر آن گسترده‌اند، اوست که راه مستقیم خداوند را از میانه کثر راه‌های انحراف و پستی و پلیدی جدا ساخته و به آرزومندان رهیابی به حضرت دوست می‌شناساند، اوست که همه گنجینه‌های معنوی خداوند را بر دست راست و همه خزائن مادی ذات اقدس الله را بر دست چپ گرفته و بالأخره اوست که:

﴿يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقٍ مُسْتَقِيمٍ﴾^(۱)؛ همگان را به سوی حق و حقیقت و به سوی راه مستقیم هدایت رهنمون می‌گردد اوست که «یملأ الارض قسطاً و عدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً» زمین را از دادگری و عدالت سرشار کند، پس از آنکه سرشار از ستمگری و بیداد شده باشد. و روزگار اوست که این نوید بزرگ الهی قرآن را بر روی زمین محقق سازد: ﴿الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ عَسِيراً﴾^(۲) آن روز است که سیطره و ملک حق است و برای خداوند، و آن روز است که بر کافران بسی دشوار خواهد بود.

در خصوصیات شخصی و علائم مشخصه

۱ - اسم مبارک آن حضرت: مُحَمَّد. و این نامی است که پیغمبر اکرم ﷺ برای او گذارده، فرمود: «اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است»^(۳).

۱- سوره احقاف / ۳۰.

۲- فرقان / ۲۶.

۳- معجم احادیث الامام المهدي (عج): ۱ / ۱۱۳.

۲ - کنیه مسلّم آن حضرت ابو القاسم و ابو صالح نیز معروف است.

۳ - لقب: القاب آن حضرت بسیار است، از جمله: مهدی، منصور، قائم بامر الله، حجة الله، ولی الله، صاحب الامر، صاحب الزمان، المنتقم، بقية الله (۱).

۴ - پدر: وسلسله آباء: الحسن العسكري بن علی الهادی بن محمد الجواد بن علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی زین العابدین بن الحسین الشهید بن علی بن ابی طالب امیر المؤمنین علیه السلام (۲).

۵ - مادر: نرجس دختر یوشعاناوادة قیصر روم و لقب او ملیکه است از آن جهت که شاهزاده بوده، و به سوسن و صیقل و حکیمه نیز ملقب شده (۳).

۶ - سال تولد: بنا بر مشهور سال ۲۵۶ هـ ق موافق عدد کلمه نور و به قولی سال ۲۵۵ (۴).

۷ - محل تولد: شهر سامراء در منزل ملکی پدری، که الآن صحن و حرم عسکرین علیه السلام است.

۸ - ساعت و روز تولد و قابله: در سحر نیمه شعبان روز جمعه قابله

۱- همان.

۲- همان.

۳- معجم احادیث الامام المهدي (عج): ۳ / ۳۵۵، ح ۹۰۱ - ۴ / ۱۹۶، ح ۱۲۵۰.

۴- اصول کافی ۱ / ۵۸۲ باب مولد الصاحب (عج).

عمّه پدرش حکیمه خاتون (۱).

۹ - خصوصیات حمل و ولادت حمل او مخفی بود تا هنگام ولادت، مانند حمل موسی بن عمران، یعنی طوری بود که تا ساعت تولد هیچ کس اثر حمل در نرجس نمی‌دید، حتی قابله‌های متخصصی که معتمد عباسی گماشته بود که هرگاه در خانواده امام عسکری علیه السلام اثر حمل ببینند فوراً اطلاع دهند چنانکه فرعون قابله‌های بسیار بر زنان بنی اسرائیل گماشته بود و این از جهت خوفی که بنی العباس از دوازدهمی داشتند مطابق اخباری که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و حضرت باقر و حضرت صادق علیهم السلام شنیده بودند (۲) مانند خوفی که فرعون از موسی علیه السلام داشته بر حسب اخبار منجمین.

۱- در اثبات الهداة چنین گفته: به خط شهید دیده شده که حضرت صادق علیه السلام فرموده: هر مولودی که در شب تولد قائم (عج) متولد شود به برکت آن حضرت مؤمن خواهد شد و اگر در بلاد شرک باشد خداوند او را به ایمان منتقل خواهد کرد ۳ / ۵۸۱ ب ۳۲ ف ۵۸ ح ۷۶۰، معجم احادیث الامام المهدي علیه السلام: ۳ / ۳۵۶ ح ۹۰۳.

۲- اثبات الهداة از حضرت عسکری علیه السلام فرمود: بنی امیه و بنی العباس شمشیرهای خود را بر ما نهادند به خاطر دو علت:
اول: این که می‌دانستند خلافت حق آنها نیست و می‌ترسیدند که مبادا ما ادعا کنیم و حق در مرکز خود قرار گیرد.

دوم: اینکه از اخبار متواتره مطلع شده بودند که زوال ملک جبایرة و ظلم بر دست قائم از ماست و شک نداشتند که خود از جبایرة و ظلمه هستند، پس سعی و کوشش کردند در کشتن اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله برداشتن نسل او به طمع اینکه شاید دست بیابند به منع تولد قائم یا قتل او، و خداوند فرمود که امر او برای یکی از ایشان کشف شود: «الا ان یتم نوره ولو کره الکافرون» (توبه ۳۲).

□ مقدمه

الحمد لله رب العالمين الصلوة والسلام على سيدنا و مولانا ابي القاسم محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على مخالفيهم و معانديهم اجمعين الى يوم الدين.

و بعد: مورد توجه و نظر در تأليف اين مختصر مخصوص اشخاصى است كه به امام غائب و قائم منتظر حضرت حجة بن الحسن صاحب العصر و الامر و الزمان عليه السلام ايمان دارند و بر حسب و عدة خداوند و رسول و ائمه طاهرين عليهم السلام انتظار ظهور پرنور او را مى كشند و براى اثبات وجود او و غيبت او و حتمى بودن ظهور او مانند حجت بودن قرآن كريم بى نياز از دليل و برهانند و همواره طالب آنند كه چيزى از علائم ظهور او را بشنوند و يا بدانند و يا چيزى از آن را به مرحله ظهور ببينند تا دلشاد شوند و در انتظار فرج اميدوار باشند.

و از اين جهت در اين مختصر جنبه استفاده عموم در نظر گرفته شده و غرض از وضع اين رساله ملخص تذكر عموم است به خصوص آنان كه اهل نظر و فحص در كتب نيستند و به همين لحاظ دو چيز جداً رعايت شده و مورد اهتمام بوده:

اولاً: استقصاء و تتبع كامل از كتب معتبره صورت گرفته به طوري كه چيزى فروگذار نشده، تا آنكس كه طالب وظيفه است از وظيفه آگاه گردد

و آن که طالب مژده و روشنی دل است روشندل شود.
ثانیاً: اختصار و سادگی و روشنی عبارات به طوری است که درخور فهم هر کس باشد، همه اینها از آن جهت است که استفاده عموم بیشتر و مطالب سهل‌تر و مقصود زودتر به دست آید و بیشتر مورد رغبت قرار گرفته و مطالب بهتر و زودتر ضبط شود تا مطالعه و مراجعه و بهره‌برداری و انتفاع از آن آسان‌تر باشد.

بلکه هر عامی با اطلاع باشد که امام غائب و منتظری که شیعه اثنی عشری قائل است و ظهور او را انتظار دارد، کسی است که با این اوصاف بوده و علامات ظهورش و سیره و رفتارش و عمل‌هایی که انجام می‌دهد با این خصوصیات می‌باشد به طوری که همه با هم دخیل و همه با هم حجت و دلیل است.

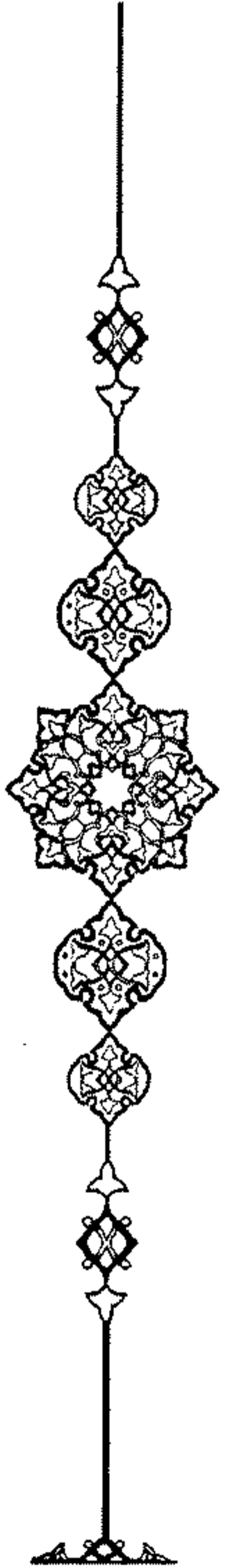
دوم: استقامت عملی و قلبی در برابر حوادث و وقایع گوناگون که در هر عصر و زمان و به خصوص هر چه زمان نزدیکتر به ظهور شود رخ می‌دهد، پس قلب او مضطرب نشود و از وقوع حادثه وحشت نکند و تزلزل در ایمان و خلوص او راه نیابد و در عمل از هر فتنه پرهیز کند و از هر زشت و شنیع اجتناب نماید و از اهلش دوری کرده و با آنها همراهی نکند.

بدیهی است که بین دانا و نادان در استقامت و ثبات بسیار فرق است و چون بدانند که در هزار و چهارصد سال پیش از این وقایع پیش‌بینی شده و به آنها اخبار شده برای آگاهانیدن و برحذر ساختن وی قهراً تأثیر عجیب در استقامت قلبی و عملی او خواهد کرد.

والله خیر موفق و معین

سید حسین حسینی بابل‌کناری

مازندران، شهریور ۱۳۸۱



■ نشانه‌های آخر الزمان در کلام امیر مؤمنان علیه السلام

شیخ صدوق روایت می‌کند^(۱) که گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام برای ما خطبه خواند و پس از حمد و ثنای الهی سه بار فرمود: سَلُونِي.

«أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي»، یعنی: «ای مردم! پیش

از آنکه مرا از دست بدهید، هر چه می‌خواهید از من

پرسید!»

در این وقت صعصعة بن صوحان^(۲) از جا برخاست و گفت: یا

امیر المؤمنین: دجال کی خواهد آمد؟! فرمود: بنشین خداوند سخن تو را

شنید و دانست که مقصودت چیست. به خدا قسم در این باره سائل و

مستئول (تو و من) یکسان هستیم یعنی این از اسراری است که فقط

خداوند می‌داند.

ولی این را بدان که آمدن دجال علاماتی دارد که طابق النعل بالنعل^(۳)

متعاقب هم بوقوع می‌پیوندند؟ اگر خواسته باشی اطلاع می‌دهم - عرض

۱- شیخ صدوق در کمال الدین از نزال بن سبره روایت می‌کند.

۲- صعصعة بن صوحان از شخصیت‌های ممتازی است که در ادامه این نوشتار پیرامون او سخن خواهیم گفت. (بحار الانوار، ج ۱۳، ترجمه دوانی، ص ۷۸۲)

۳- یعنی: بدون هیچگونه کم و زیاد.

کرد: یا امیرالمؤمنین بفرمائید! حضرت امیر علیه السلام برای صعصعة بن صوحان که خود شخصیت بزرگی است نشانه‌های آخر زمان را بر شمرد.
فرمود: آنچه می‌گویم از برکن! نشانه‌های آن این است:

۱- دجال وقتی می‌آید که مردم نماز را بمیرانند - نماز حقیقی و واقعی اقامه نمی‌شود.

۲- و امانت را ضایع کنند و حق امانت را بجا نیاورند.

۳- و دروغ گفتن را حلال شمارند به گونه‌ای دروغ میان جامعه شایع باشد به مانند آنکه این از اعمال صحیح و غیر گناه می‌باشد.

۴- و ربا بخورند و بدون ربا داد و ستدی نباشد.

۵- و رشوه بگیرند و بدون رشوه کاری را انجام نمی‌دهند و رشوه تنها پول دادن و گرفتن نیست.

۶- و ساختمانها را محکم بسازند و از این عمل هیچگونه میل و رغبتی به غیر دنیا ندارند.

۷- و دین را به دنیا فروشند و چنان دنیا و زندگی در این دنیا برایشان ارزشمند است که دین چنین ارزشی ندارد.

۸- و زمانی که سفیهان و بیخردان را بکار گیرند و افراد عاقل و شریف مهجور بمانند!

۹- و با زنان مشورت کنند و بدون مشورت آنها کار انجام نپذیرد!

۱۰- و پیوند خویشان را از هم بگسلند و پاره کنند، و از صله رحم خبری نباشد.

۱۱- و هواپرستی پیشه سازند و خون یکدیگر بی ارزش بدانند.

۱۲ - حلم و بردباری و صبر شکیبائی در میان آنها نشانه ضعف و ناتوانی باشد.

۱۳ - و ظلم و ستم و بی بند و باری باعث فخر و مباهات گردد.

۱۴ - امرا فاجر، وزراء ظالم، و سرکردگان دانا خائن باشند.

۱۵ - و قاریان «قرآن» فاسق باشند.

۱۶ - شهادت باطل و دروغ آشکار باشد.

۱۷ - و اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طغیان و تجاوز، علنی گردد.

۱۸ - قرآنها زینت شود، مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره های مساجد بلند گردد.

۱۹ - و اشرار مورد عنایت قرار گیرند، صفها در هم بسته شود.

۲۰ - خواهشها مختلف باشد و پیمانها نقض گردد، و وعده های که داده شد نزدیک شود.

۲۱ - زنها بواسطه میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند.

۲۲ - و صداهای فاسقان بلند گردد و از آنها شنیده شود.

۲۳ - و بزرگ قوم - رذل ترین آنهاست.

۲۴ - و از شخص فاجر بملاحظه شرش تقیه شود.

۲۵ - و دروغگو تصدیق، و خائن امین گردد.

۲۶ - زنان نوازنده آلات طرب و موسیقی بدست گرفته نوازندگی می کنند.

۲۷ - مردم پیشینیان خود را لعنت نمایند.



۲۸ - زنها برزینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند.

۲۹ - شاهد (در محکمه) بدون این که از وی درخواست شود شهادت می‌دهد.

۳۰ - دیگری بخاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی دهد... (۱)
در این روایت حضرت به نشانه‌های مهمی اشاره فرمودند.

■ نشانه‌های آخرالزمان در کلام رسول گرامی اسلام ﷺ

جمیری در کتاب قرب الاسناد، از محمد بن صدقه از امام جعفر صادق علیه السلام از پدرش امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«چگونه خواهید بود، زمانی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق شوند نه امر به معروف کنید و نه نهی از منکر نمائید؟ عرض کردند: یا رسول‌الله آیا اینچنین خواهد شد؟ فرمود: آری از این هم بدتر خواهد شد. چه حالی خواهید داشت هنگامی که امر به منکر کنید و نهی از معروف نمائید؟ عرض کردند: یا رسول‌الله آیا چنین خواهد شد؟ فرمود: آری از این بدتر می‌شود چگونه خواهید بود وقتی که ببینید کار خوب زشت و کار زشت، خوب شمرده شود؟» (۲)

۱- بحار الانوار، ج ۱۳، ترجمه: علی دوانی، ص ۷۸۳.

۲- بحار الانوار، ج ۱۳، ترجمه: دوانی، ص ۷۶۴. (کیف بکم اذا فسد نسائکم...).

■ مسلمانان آخر الزمان

صدوق در «ثواب الاعمال» به سند مزبور از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند (۱) که: پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی برای امت خواهد آمد که از قرآن جز رسم و از اسلام جز اسم نماند، آنها خود را مسلمان می‌نامند، در حالیکه از هر کس به اسلام دورترند؛ مساجد آنها به صورت آباد ولی از لحاظ هدایت و تقوی خراب است. دانایان آنان بدترین دانایانی هستند که در زیر آسمان زندگی می‌کنند، فتنه و آشوب از آنها سر می‌زند و هم بسوی آنها باز می‌گردد». (۲)

و هم شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «ثواب الاعمال» از سکونی از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«زمانی برای امت من می‌گذرد که باطنشان پلید و ظاهرشان به واسطه طمع به دنیا نیکو خواهد بود. آنها در آن زمان آنچه را نزد خداست نمی‌خواهند و کارشان از روی ریا است و ترسی از خداوند ندارند، در آن هنگام خداوند آنها را به عذابی مبتلا سازد که هر چه دعای غریق بخوانند دعایشان مستجاب نشود». (۳)

۱- بحار الانوار، ج ۳، ترجمه: دوانی، ص ۷۷۸.

۲- پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کیف بکم اذا فسد نسائکم و فسق شُبَّانکم و لم تأمروا بالمعروف و لم تنهوا عن المنکر».

۳- بحار الانوار، ج ۱۳، ترجمه: دوانی، ص ۷۷۸.

غربت اسلام در آخرالزمان

و در کمال الدین از سکونی از حضرت صادق علیه السلام روایت می‌کند که، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«ان الاسلام بدا غريباً و سيعود غريباً كما بدا فطوبى للغرباء»؛

اسلام با غربت ظاهر شد و عنقریب نیز چنانکه بود به حال

غربت برمی‌گردد، پس خوش به حال غربا».

در غیبت نعمانی این حدیث به سند دیگر آمده است و در کمال الدین

آن را به سند دیگر از حضرت رضا علیه السلام هم روایت کرده است. (۱)

علی بن ابراهیم قمی (۲) در تفسیر خود از ابوالجارود روایت کرده که

امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه:

﴿إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يُنَزِّلَ﴾ (۳)؛ «خداوند قادر است که

عذابى از بالا به سوى شما فرو فرستد».

حضرت به وی فرمود:

«خداوند در آخرالزمان آیاتی (نشانه‌هایی) را به تو نشان

می‌دهد که از جمله «دَابَّةُ الْأَرْضِ» یعنی جنبنده روی زمین و

۱- بحار لانوار، ج ۱۳، ترجمه: دوانی، ص ۷۸۰.

۲- علی بن ابراهیم قمی از بزرگان علما و محدثین شیعه است. ابن ندیم در فهرست می‌نویسد:

«وی از علما و فقها» بود. نجاشی می‌گوید: علی بن ابراهیم در نقل حدیث موثق و مورد اطمینان و اعتماد است» کتاب تفسیر او که همه جا در معنی و تفسیر آیات به روایات اهل بیت علیهم السلام استناد جسته معروف است.

۳- سورة انعام، آیه ۳۷.

خروج دجال و آمدن عیسی بن مریم و طلوع آفتاب از مغرب است» (۱).

و نیز ابوالجارود از آن حضرت روایت کرده که در تفسیر این آیه: «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ» (۲)؛ «پیغمبر! بگو خداوند قادر است که عذابی از بالا به سوی شما فرو فرستد».

حضرت فرمود: این عذاب دجال و صدای آسمانی است و بقیه آیه که می گوید: «أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ»؛ «یا عذابی از زیر پای شما بفرستد»، فرو رفتن در بیابان است. «أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا»؛ «یا چیزهای مختلف به شما می پوشانیم»، اختلافاتی است که در امور دینی پیدا می شود و از یکدیگر بدگوئی می نمایند.

«وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ»؛ «سختی از شما را به بعضی دیگر می چشانند» این است که بعضی از شما بعض دیگر را به قتل برسانند و تمام این عذابها در میان اهل قبله بوقوع می پیوندد. (۳)

نیز در قرب الاسناد از ابن اسباط نقل می کند که گفت به حضرت

۱- علامات ظهور امام زمان عج - نقل از: بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۷۶۵، ترجمه: علی دوانی.

۲- سوره انعام، آیه ۶۵.

۳- منظور از اهل قبله مسلمانان هستند و در حقیقت مخاطب این روایت و مشابه آن مسلمانان می باشند که بر اثر نافرمانی خداوند و اختلافاتی که در آخرالزمان و نزدیکی های ظهور امام زمان در میانشان واقع می شود، دچار اینگونه عذابها می گردند.

رضاء عليه السلام عرض کردم؛ قربانت کردم ثعلبة بن ميمون از علی بن مغیره و او از زید قمی (زید العمی) از امام زین العابدین عليه السلام برای من نقل کرده که فرموده است:

«قائم ما در موسمی که مردم به حج می‌روند قیام می‌کند. امام رضاء عليه السلام فرمود: آیا قائم بدون خروج سفیانی قیام می‌کند؟ حضرت امام رضاء عليه السلام فرمود: قیام قائم ما از جانب خدا مسلم است و آمدن سفیانی هم حتمی است و قائم (عج) ظهور نمی‌کند مگر بعد از خروج سفیانی. راوی گفت: قربانت کردم آنچه فرمودی امسال واقع می‌شود؟ حضرت فرمود: هر چه خداوند اراده کند. عرض کردم در سال بعد چطور؟ فرمود: خدا هر کاری را بخواهد می‌کند. (۱)



۱- این روایات اکثراً بررسی شده تا از نظر سند و راوی مورد خدشه نباشد مثلاً درباره ابن اسباط علی بن اسباط کوفی است او ثقی مردم است و لکن فطحی مذهب است و نجاشی در رجالش فرموده که از فطحیت برگشته و رجوع به مذهب حق نموده است. مانند عبدالله بن مغیره و عثمان بن عیسی و امثال ایشان. (تحفة الاحباب، نقل از بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۷۶۶، ترجمه: دوانی.

■ بعضی از علائم ظهور امام عصر (عج)

در قرب الاسناد روایت شده که بزنی گفت: شنیدم امام رضا علیه السلام می فرمود: ابن ابی حمزه گمان می کرد که جعفر ^(۱) خیال می کند. پدرم (موسی بن جعفر علیه السلام) قائم آل محمد است، ولی جعفر از آنچه می باید پیش از ظهور قائم پدید آید، اطلاع نداشت به خدا قسم، خداوند از زبان پیغمبرش اینطور حکایت می کند:

«وَمَا أَدْرِ مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَى إِلَيَّ» ^(۲)؛

«من نمی دانم بر من و شما چه خواهد گذشت. من فقط از آنچه از راه وحی به من فرمود، پیروی می کنم» ^(۳).

جدم امام محمد باقر علیه السلام می فرمود. چهار حادثه پیش از ظهور قائم (عج) خواهد بود که علامت ظهور اوست، آنگاه امام رضا علیه السلام

۱- گویا مقصود از جعفر: جعفر بن بشیر است که از شاگردان آن حضرت بوده است.

۲- سوره احقاف، آیه ۸.

۳- اینگونه روایات امکان دارد برای جلوگیری از انحراف فرقه واقفیه باشد که می گفتند موسی بن جعفر علیه السلام امام زمان است. (بحار الانوار، ج ۱۳، ترجمه: دوانی، ص ۷۶۷).

فرمود: سه حادثه به وقوع پیوسته و یک حادثه دیگر باقی مانده است عرض کردیم: فدایت شویم حوادثی که گذشت کدام است؟ فرمود: اول، ماه رجبی بود که صاحب خراسان در آن ماه خلع شد دوم، ماه رجبی بود که بر پسر زبیده شوریدند، سوم، ماه رجبی است که محمد بن ابراهیم در آن ماه از کوفه قیام کرد. عرض کردم آیا رجب چهارم هم به این سه ماه می‌پیوندد فرمود: جدم امام باقر علیه السلام اینطور فرموده است.

قال امیر المؤمنین علیه السلام:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَبْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَمِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى سُكَّانُهَا وَعُمَارُهَا شَرُّ أَهْلِ الْأَرْضِ مِنْهُمْ تَخْرُجُ الْفِتْنَةُ...» (۱).

حضرت فرمود: زمانی بر سر مردم آید که از قرآن جز رسمی نماند، و از اسلام جز اسمی، مسجدها در این زمان از نظر ساختمان آبادانست و از نظر هدایت و راهنمایی ویران، ساکنان و آباد کنندگان مساجد بدترین مردم روی زمین باشند، فتنه از آنها برآید و خطا بدانها گراید، هر که از فتنه کنار ماند بدانش برگردانند و هر کس از آن بدنبال باشد بسوی آتش برانند.

«به مردم زمانی رسد تیره وُش

ز قرآن نماند بجز رسم خوش

۱- منهاج البراعه شرح نهج البلاغه از آیت‌اله حاج میرزا حبیب‌اله خوئی، ج ۲۱، ص ۴۵۴. و در شرح مرحوم مصطفی زمانی، ج ۴، ص ۳۸۹، شماره ۳۷۵.

ز اسلام جز نام چیزی نباشد

ز ایمان کسی بذر در آن نپاشد

بنای مساجد به عمران گراید

و لیکن هدایت از آن بر نیاید

بتر مرد مانند عمار آنها

که فتنه بزاید چه آتش از آنها

خطاگردشان حلقه دارد چه هاله

نمایند هر کس بسویش حواله

خدا خورده سوگند بر ذات خویش

که یک فتنه آرد در آنها به پیش

که حیران بماند در آن هر حلیم

کند گیج فرزنانگان حکیم»

در توضیح فرموده امام علیه السلام یک مطلب که منطبق با عصر خودش،

خلفاء و معاویه می شود و همچنین زمانهای دیگر. زیرا آنگاه که عقاید

عمومی ملت ها تقویت شد و همه در یک دین وارد شدند، غرور آنان را

می گیرد و بر مسائل هیچ و پوچ به جان هم می افتند و هر دسته برای

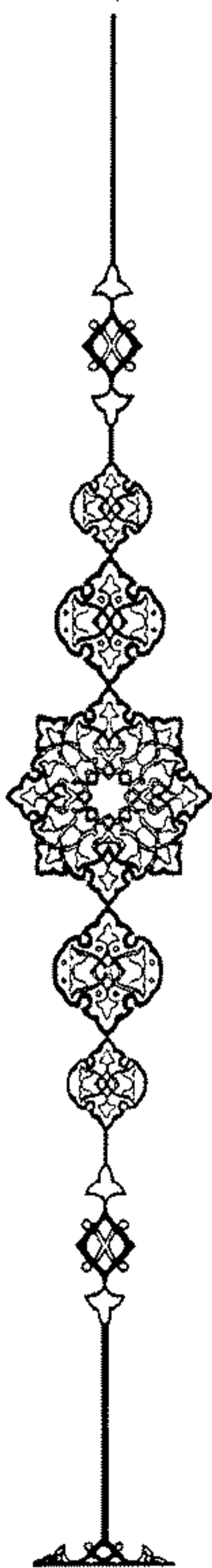
پیروزی خود به عبادتگاه پناه می برد، در حقیقت عبادتگاه مرکز ستاد

عملیات مبارزه با همان عقیده می شود که در عبادتگاه آموخته اند. در

چنین شرائطی نتیجه وجودی آنان از بین می رود و بردباران سرگردان و

حیران خواهند شد. با توجه به نکات یاد شده، اختلافات، آشوب ها و قتل

و کشتار از غفلت، خودخواهی و اخلاق فاسد ملت ها نشأت می گیرد که



علی علیه السلام از خطرهای غفلت به خدا پناه می‌برد. زیرا غافلان نه تنها از نظر اجتماعی سقوط می‌کنند بلکه از حیوان‌ها هم پست‌تر معرفی شده‌اند. (۱)
خطب علی علیه السلام بالكوفة و قال:

«يُوشِكُ أَنْ لَا يَبْقَى مِنْ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَمِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ
مَسَاجِدُكُمْ يَوْمَئِذٍ غَامِرَةٌ وَقُلُوبُكُمْ وَأَبْدَانُكُمْ خَرِبَةٌ مِنَ الْهُدَى،
شَرٌّ مَنْ تَحْتَ ظِلِّ السَّمَاءِ فَقَهَاؤُكُمْ مِنْهُمْ تَبَدُّوا الْفِتْنَةَ وَ فِيهِمْ
تَعُودٌ إِذَا كَانَ الْفِقَّةَ فِي رِذَالِكُمْ وَالْفَاحِشَةَ فِي خِيَارِكُمْ وَالْمَلِكِ
فِي صِغَارِكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَقُومُ السَّاعَةُ».

حضرت علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند:

«زمانی می‌رسد که از اسلام جز نامی. و از قرآن جز ظاهر
نمی‌ماند. در آنروز مساجدتان آباد، و قلب و دل‌های دور از
هدایتان ویرانه است. آسمان سایه نیفکند بر بدتر از
دانشمندانتان، شر و فتنه و آشوب از آنان بر می‌خیزد، و
رسوایی و گمراهی نیز بدانان باز می‌گردد.

آنگاه که گروهی رذل و پست ژرف اندیشی را در دست گیرند
و برگزیدگان‌تان بدکارانتان باشند، و حکمرانی و کار به دست
کهنترانتان باشد، ناگاه قیام و قیامت قائم ما بر پا می‌شود».

عَنْ عَلِيٍّ علیه السلام قَالَ: تَمَلَّأُ الْاَرْضَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا حَتَّى يَدْخُلَ كُلُّ بَيْتٍ
خَوْفٍ وَ حُزْنٍ، يَسْأَلُونَ دِرْهَمَيْنِ وَ جَرَبَيْنِ فَلَا يُعْطُونَهُ، فَيَكُونُ

۱- سورة اعراف، آیه ۱۷۹، ﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾.

قِتَالٌ بِقِتَالٍ وَ يَسَارٌ بِيَسَارٍ حَتَّى يُحِيطُ اللَّهُ بِهِمْ فِي مِصْرِهِ ثُمَّ تَمَلَّا
الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا.

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمود:

«آنگاه که زمین را سر تا سر ظلم فرا گیرد. در هر کاشانه و زیر
هر سقفی ترس و اندوه راه یابد. بر سر دو درهم مال و دو
و جب زمین درگیر شوند و قتل و کشتار راه اندازند.

ناگاه امر خداوندی دز زمینش بر آنان فرود آید

پس از آنست که زمین را عدل فرا گیرد، و قسط و مساوات
همگانی شود».

سئل عن امیر المؤمنین! متى يظهر القائم من ولدك فقال علیه السلام
لانظیر القائم حتی یكون أمور الصبیان، و تضييع حقوق
الرحمن، و يتغنى بالقرآن بالتطريب و الألحان.

از علی علیه السلام پرسیدند: «قائم آل پیامبر کی بیامی خیزد؟
حضرت فرمود:

ظهور مهدی قائم آل محمد پس از آن هنگامی است که کارها
دست کھتران افتاده باشد، و حقوق پروردگار تباه و ضایع
شود، و قرآن را به آواز و برای خوشامد بخوانند» (۱).

و عن علی علیه السلام قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

لا تذهب الدنيا حتى يقوم بأمتي رجلٌ من ولد الحسين يملأ

الأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا.

علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌فرماید که:

«چرخ دنیا از گردش نمی‌ایستد تا اینکه در میانهٔ امتم، مردی از سلالهٔ حسین علیه السلام بر خیزد، و این آن هنگام است که دنیا را خرابی و ستم فراگیرد، پس آنگاه او عدل و داد را به هر کس می‌چشانند.» (۱)

کسانیکه در غیب امام زمان (عج) اطلاق یتیم بر آنها شده:

عن ابی محمد العسکری عن آباءه علیهم السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله:

«قَالَ أَشَدُّ مِنْ يُتِّمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أَبِيهِ يُتِّمِ يَتِيمًا انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا قَدِرَ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ.» (۲)

در سفینهٔ البحار از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله

نقل شده که آنجناب فرمودند:

«سخت‌تر از یتیمی که از پدر جدا شده باشد یتیمی است که از

امام خود دور افتاده باشد و دسترسی به او نداشته باشد.»

از ائمه هدی علیهم السلام که: در اخبار زیاد اطلاق یتیم به آنها شد.

و در توقیعی که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام صادر شده چنین است.

«وَمَنْ أَكَلَ مِنْ أَمْوَالِنَا شَيْئًا فَإِنَّمَا يَأْكُلُ فِي بَطْنِهِ نَارًا سَيَصْلِي

۱- همان، ص ۱۴.

۲- سفینهٔ البحار، ج ۸، ط، ج، ص ۷۴۱. بحار الانوار، ۷۵، ص ۱۰.

سعیراً» (۱).

و در توقیع دیگری که از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام رسیده است چنین است:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: لَعْنَتُ اللّٰهِ وَ الْمَلَائِكَةُ وَ النَّاسُ
أَجْمَعِينَ عَلٰی مَنْ السَّتَحَلَ مِنْ اَمْوَالِنَا دِرْهَمًا؛

«پس از نام خدا می فرماید: لعنت خدا و ملائکه و جمیع مردم
بر کسی که حلال شمارد از اموال ما چیزی را ولو یک درهم
باشد».

مؤلف گوید: مؤمنین و شیعیان در این احادیث ذکر شده تأمل نمایند
که خوردن مال امام علیه السلام و منع حقوق آنها مستلزم چگونه عقوباتی است و
حضرت فرمود:

«کسی که مال ما را منع کند ما در قیامت با او مخاصمه
خواهیم نمود، اگر کسی در قیامت از شفاعت محمد و آل
محمد محروم باشد معلوم نیست راه علاجی و نجاتی داشته
باشد؟»

چنانچه در سفینه البحار (۲) از ابابصیر نقل شده که گفت:

«أَصْلَحَكَ اللّٰهُ مَا أَيْسَرَ مَا يُدْخَلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ؟ قَالَ: مَنْ أَكَلَ
مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا، وَ نَحْنُ الْيَتِيمُ».

«حضور مبارک حضرت امام محمد باقر علیه السلام شرفیاب گردیدم

۱- اسرار معراج، از حاج شیخ علی قزینی، ص ۳۹.

۲- سفینه البحار، ج ۸، ط، ح، ص ۷۴۱. بحار الانوار ج ۷۵ ص ۱۰.

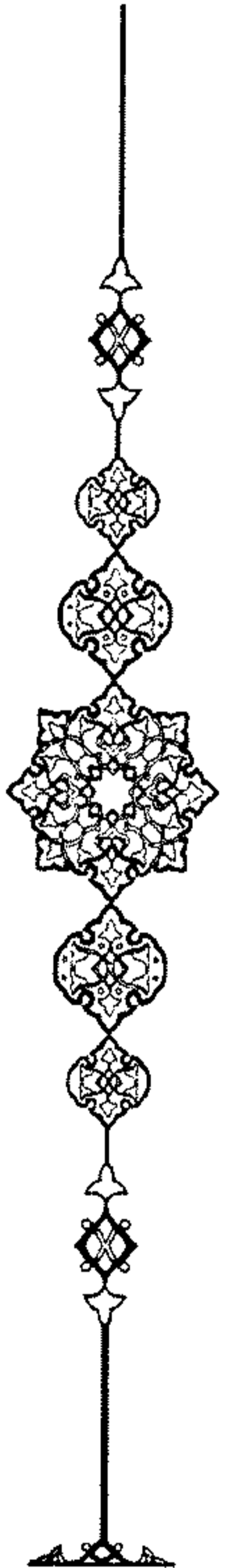
و عرض کردم: چه گناهی می‌باشد که زود صاحبش را اهل جهنم می‌کند؟ حضرت فرمودند خوردن مال یتیم، زیرا کسی که یک درهم از مال یتیم بخورد اهل جهنم است، بعد فرمودند: و یتیم ما هستیم».

یعنی کسی که بخورد از اموال ما چیزی را به درستی که آتش خورده و زود است که وارد سعیر که وادی از وادیهای جهنم است گردد. در این روایت امام علیه السلام تنظیر نموده مال خود را اگر کسی به غصب و عدوان بخورد به مال یتیم در عقوبت که مستلزم آن است که شکم او پر از آتش گردد و وارد جهنم شود.

در احتجاج طبرسی (ره) از حضرت رضا علیه السلام نقل شده که آن حضرت فرمودند:

«قَالَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِلْعَابِدِ نِعْمَ الرَّجُلُ كُنْتَ هِمَّتَكَ ذَاتَ نَفْسِكَ فَأَدْخَلَ الْجَنَّةَ وَيُقَالُ أَيُّهَا الْكَافِرُ لَا يُتَامُ آلَ مُحَمَّدٍ الْهَادِي لِضُعَفَاءِ مُحِبِّيهِمْ وَمَوَالِيهِمْ قِفْ حَتَّى تَشْفَعَ لِكُلِّ مَنْ أَخَذَ عَنْكَ أَوْ تَعَلَّمَ مِنْكَ فَيَدْخُلِ الْجَنَّةَ مَعَهُ فَأَمَّا فَأَمَّا وَعُدُّ عَشْرًا» (۱)؛

«در روز قیامت به شخص عابد گفته شود: خوب بنده‌ای بودی تمام غصه و فکر تو در دنیا نجات دادن خودت بود از عقوبت آخرت پس وارد شو در بهشت برین و گفته می‌شود به



فقیه و عالم، ای کسی که متصدی امورات ایتم آل محمد بودی و سرپرستی آنها را می نمودی و بیچارگان آنها را دادرسی می کردی بآیست تا اینکه شفاعت کنی از هر کس که از تو چیزی یاد گرفته و به ارشاد تو هدایت شده زیرا من تو را شفیع آنها قرار دادم پس؛ با آن عالم وارد بهشت می شوند هزاران هزار».

از این دو حدیث استفاده می شود مردمی که مبتلا به غیبت امام زمان ارواحنا فدا شده اند جزو ایتم می باشند و خوردن مال آنها و اذیت نمودن به آنها عقوبت خوردن مال یتیم و اذیت آنها را دارد و در حقیقت و ملاک با یتیمان شریک می باشند زیرا یتیم کسی است که پشتیبانی برای خود نمی یابد، که در شدائد و مشکلات به او پناهنده شود. مردمی که در غیبت امام عصر «عجل» واقع گردند نیز حامی و نگهبانی در ظاهر ندارند. چنانچه در جامع الاخبار از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَابِضِ عَلَى الْجَمْرَةِ» (۱).

در کتاب وسیلة العفائف از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

«سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي تَحِلُّ لَهُمُ الْعُزُوبَةُ وَالرُّهْبَانِيَّةُ وَإِنْ تَلِدُ الْمَرْأَةُ حَيَّةً خَيْرٌ مِنْ أَنْ تَلِدَ الْوَلَدُ» (۲).

در کتاب کافی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:

۱- اسرار معراج شیخ علی قرنی، ص ۴۱.

۲- همان.

«كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاؤُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا
بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ تَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ: فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَيَكُونُ
ذَلِكَ قَالَ: نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ
وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَيَكُونُ ذَلِكَ قَالَ
نَعَمْ وَشَرٌّ مِنْ ذَلِكَ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَالْمُنْكَرَ
مَعْرُوفًا» (۱)

یعنی رسول خدا ﷺ فرمود:

«بر مردم زمانی می‌آید که حفظ دین از برای آنها مثل نگاه
داشتن آتش است در کف دست».

پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند:

«زود است که بیاید از برای امت من زمانی که عزوبت و
کناره‌نشینی و رهبانیت برای آنها حلال باشند و اگر در آن
زمان زن مار بزاید بهتر از آن است که بچه‌ای از او متولد
گردد».

رسول خدا ﷺ فرمودند:

«چگونه است حال شما هرگاه فاسد شوند زنان شما و
فاسق گردند جوانان شما و امر به معروف و نهی از منکر
نکنند».

عرض کردند یا رسول‌الله چنین روزگاری خواهد رسید.

حضرت فرمودند: آری و بدتر از آن، چگونه خواهد بود حال شما زمانی که امر به منکر و نهی از معروف کنید؟ عرض کردند آیا چنین روزگار خواهد رسید.

فرمودند: آری و بدتر از آن چگونه خواهد بود وقتی که ببینید معروف منکر گردد و منکر معروف شود».

و در کتاب جامع الاخبار از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: (۱)
 «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ بَطُؤُونُهُمُ الْتَهُمُ وَ نِسَاؤُهُمْ قِبَلَتُهُمْ وَ دَنَائِرُهُمْ دِينُهُمْ وَ شَرَفُهُمْ مَتَاعُهُمْ لَا يَبْقَى مِنَ الْإِيمَانِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا رِسْمُهُ وَ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا دَرَسُهُ».

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«می‌گذرد بر مردم زمانی که شکمهای آنها خدایان آنها است و زنان آنها قبله آنها است و درهم و دنیا دین آنها است و شرافت آنها امتعه خانه آنها است. و در آن زمان باقی نمی‌ماند از ایمان مگر اسم آن و از اسلام مگر رسم آن و از قرآن مگر درس گفتن آن».

و از اصبع بن نباته از علی عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل شده که فرمودند:

«در آخر زمان و نزدیک قیامت که بدترین زمان‌ها است».
 «تَظْهَرُ نِسْوَةٌ كَاشِفَاتٌ غَارِيَاتٍ مِنَ الدِّينِ خَارِجَاتٌ وَ فِي الْفِتَنِ دَاخِلَاتٌ وَ فِي جَهَنَّمَ خَالِدَاتٌ» (۲).

۱- نقل از اسرار معراج، ص ۴۲.

۲- همان، ص ۴۳.

«ظاهر می‌شوند زنان و از خانه‌ها بیرون می‌آیند در حالی که آنها برهنه و عریان می‌باشند و از دین خارج گردیده‌اند و در فتنه و اختلاف ما بین مردم شرکت می‌نمایند و در اثر این اعمال زشت در جهنم مخلد خواهند بود».

قال رسول الله ﷺ:

«يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ وَجُوهُهُمْ وَجُوهُ الْآدِيسِنِ وَقُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ». (۱)

یعنی پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند:

«می‌آید بر مردم زمانی که صورت‌های آنها صورت آدمی است و لکن دل‌های آنها دل‌های شیاطین است».

و در کتاب جامع الاخبار و غیره از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده که فرمودند:

«سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفْرُ الْغَنَمُ عَنِ الذَّبِّ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ ابْتَلَاهُمُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْأَوَّلُ: يَرْفَعُ الْبَرَكَهَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ. الثَّانِي: سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا. الثَّلَاثُ: يَخْرُجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِأَيْمَانٍ». (۲)

پیغمبر اکرم ﷺ فرمود:

«زود است که بیاید بر امتان من زمانی که از علما و

۱- همان، ص ۴۳.

۲- سفینه البحار و اسرار معراج، ص ۴۳.

دانشمندان خود فرار نمایند مثل: گوسفندانی که از گرگ فرار کنند؟ و چون از آنها چنین عمل زشتی صادر شود خداوند آنها را به سه بلیه مبتلا کند:

اول: آنکه برکت را از اموال آنها برمی دارد.

دوم: آنکه خداوند سلطان ظالمی را بر آنها مسلط می گرداند.

سوم: آنکه بدون ایمان از دنیا بیرون بروند.»

شیخ صدوق (ره): در کمال الدین نقل می کند که از سُدیِرِ صَیْرِفی که گفت من و مفضل بن عُمر و ابو بصیر و ابان بن تغلب خدمت امام صادق علیه السلام مشرف شدیم دیدیم آن جناب روی خاک نشسته و پیراهن خیبری در بر نموده و از شدت اندوه و غم مثل کسی که جوان او مرده باشد گریه می کند و اشک بر چهره نازینش جاری است و مشغول ندبه می باشد و می گوید: ای سید من غیبت تو خواب را از چشمهای من ربوده و مصیبت مرا دائم نموده و آب دیدگان مرا جاری کرده و ناله مرا از سینه پر غم من بر آورده.

سُدیِر گفت: چون حال آقا را چنین ملاحظه کردیم نزدیک بود عقل از سر ما پرواز کند؛ دلهایمان مملو از غصه گردید فکر کردیم که آقا را مسموم کردند یا بلیه بزرگی بر حضرت وارد آمده. پس من نزدیک رفتم و عرض کردم خداوند هرگز چشم شما را نگریاند! چه حادثه ای رخ داد که چنین اظهار اندوه و غم می نمائید و اشک بر رخسار مبارک شما جاری گردیده است؟ حضرت آه سوزناکی از دل پر حسرت کشیدند و

فرمودند امروز در جفر جامعه‌ای که در او علم منایا و بلایا و آنچه در عالم گذشته و یا واقع خواهد گردید تا روز قیامت و آن مصیباتی که بر ما واقع خواهد شد در آن ثبت و ضبط است نظر می‌کردم برخوردارم به احوالات دوازدهمین ما حضرت صاحب الامر علیه السلام دیدم آنجناب غیبت طولانی خواهد کرد و مؤمنین در غیبت او دچار ابتلات فوق العاده خواهند گردید و در دل آنها شک و شبهه پیدا خواهد شد و اکثر مردم از دین خارج خواهند گردید و ریسمان ایمان را که خداوند برگردن آنها افکنده بر خواهند داشت، از این جهت حزن و اندوه و غم به من روی داده بنحوی که نتوانستم خود را حفظ نمایم.

ثُمَّ قَالَ عليه السلام لَا بَدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ يَتَمَحَّصُوا وَيُمَيِّزُوا وَيُغْرِبُوا
وَسَيَخْرُجُ فِي الْغُرْبَالِ خَلْقٌ كَثِيرٌ. (۱)

حضرت فرمود البته مردم در آن زمان امتحان می‌شوند و چون آنها غربال شدند جمع زیادی از نخاله‌ها از غربال خارج می‌گردند.

«قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةٍ وَلَكِنَّ
اللَّهَ سَيَعْمَى خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَجُورِهِمْ وَاسْرَافِهِمْ عَلَى
أَنْفُسِهِمْ». (۲)

علی علیه السلام: آن پیشوای مسلمین فرمود:

۱- نقل حدیث از اسرار معراج رسول اکرم صلی الله علیه و آله از شیخ علی قرنی ص ۴۳

۲- غیبت نعمانی، ۱۴۳: ب ۱؛ بحار الانوار، ۲۸/۷۰ ب.

«زمین هرگز از نشانه و دلیل خدائی خالی نمی ماند، لیکن زمانی می رسد که خدای چشمها را از حجت و دلیل برحقش می پوشاند. چرا که آدمیان، ظلم و ستمها به بار آورده به بیهوده کاری و زیاده رویهای شخصی پردازند.»

صدوق در کمال الدین به سند خود از «منصور بن صیقل» روایت می کند، که امام صادق علیه السلام فرمود:

«يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَّاسٍ لَا وَاللَّهِ حَتَّى تَمَيِّزَ وَالْإِلَهَ حَتَّى تَمَحُّصُوا، لَا وَاللَّهِ حَتَّى يَشُقِّيَ مِنْ يَشْقَى وَ يَسْعَدُ مَنْ يَسْعَدُ» (۱)

ای منصور صاحب الامر نخواهد آمد مگر آنکه به کلی مایوس شوید نه بخدا نمی آید مگر بعد از آنکه خوب و بد شما امتیاز یابند، نه بخدا نمی آید مگر موقعیکه پاک شوید، نه بخدا او نمی آید هنگامی که آنکس که شقی، شقاوتش آشکار گردد و آنکس که سعادت مند است شناخته شود!

هم در کمال الدین از عبدالرحمن بن سنابه نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود:

«چگونه خواهید بود هنگامی که نه امامی دارید که شما را

هدایت کند و نه علمی که بعضی از مردم را از بعض دیگر جدا سازد؟ در آن موقع از هم تمیز داده می‌شوید و امتحان می‌دهید و غربال خواهید شد.»^(۱)

و نیز در کمال‌الدین از هانی تمار (خرما فروش) روایت کرده که امام صادق علیه السلام فرمود:

«صاحب الامر را غیبتی است که هر کس در غیبت او بخواهد به دین خود چنگ زند مثل این است که بخواهد با دست خود شاخه درخت خاردار قتاد^(۲) را از خار صاف گرداند سپس در حالیکه با دست مبارک اشاره می‌نمود فرمود: اینطور، آنگاه فرمود: صاحب الامر را غیبتی است که باید بندگان پناه بخدا برند و چنگ به دین خود زنند.»^(۳)

بدیهی است که این کار دست را مجروح و پاره پاره می‌کند و جان آدمی را به لب می‌رساند. آری در آخر زمان هم کسی بخواهد در میان

۱- نقل از بحار، ح ۱۳، ط ج، ترجمه: علی دوانی، ص ۶۹۷.

۲- قتاد نام درخت بزرگ خاردار است که خارهای آن مانند سوزن تیز است. عرب تحمل کارهای مشکل و طاقت فرسا را، بدست زدن بخارهای این درخت تشبیه نموده و مثل می‌زنند فی المثل می‌گویند: تحمل فلان کار برای فلانی مانند این است که شاخه درخت قتاد را بدست گرفته و با یک فشار از بالا به پائین شاخه را از خار پیراسته گرداند.

۳- بحار ط ج ترجمه دوانی ج ۱۳ ص ۶۷۹.

طوفان حوادث و امواج مفسد و هزاران گونه موانع دینش را حفظ کند، مانند کسی است که خواسته باشد درخت قتاد را از خارهای جانکاه صاف گرداند.

«وَعِنْدَ ذَلِكَ اِخْتِلَافُ السُّنَنِ وَ اِمَارَةٌ مِنْ اَوَّلِ النَّهَارِ وَ قَتْلٌ وَ قَطْعٌ فِي اٰخِرِ النَّهَارِ» یعنی: از نشانه‌های آخر زمان؛ در آن وقت خشکسالی متناوب پیدا می‌شود.

اول صبح کسی بحکومت و دولت می‌رسد که در آخر همان روز بقتل رسیده و پیوسته حکومتش از هم می‌گسلد.^(۱) و هم در کتاب غیبت نعمانی از محمد بن مسلم و ابو بصیر نقل شده که گفتند: از امام جعفر صادق علیه السلام شنیدیم که می‌فرمود:

«صاحب الامر نمی‌آید مگر اینکه دو سوم مردم از میان بروند. ما عرض کردیم: وقتی دو سوم مردم از بین رفتند دیگر چه کسی می‌ماند؟ فرمود: نمی‌خواهید در یک سوم باقیمانده باشید.»^(۲)

۱- این یکی از علامات آخر الزمان است که در سنوات اخیر گاهی هر هفته‌ای در گوشه‌ای از جهان با یک کودتای نظامی و غیر نظامی فردی بر سر کار می‌آید و روز کشته می‌شود و حکومتش سقوط می‌کند!! بحار، ترجمه: دوانی، ص ۶۹۸.

۲- این موضوع نیز به آینده جهان و خطر وقوع جنگ سوم که یک جنگ اتمی خواهد بود مربوط می‌گردد و اوضاع دنیای بعد از جنگ نیز قابل توجه می‌باشد که آیا ظهور امام زمان بعد از جنگ سوم است که ظلم و ستم سراسر زمین را طبق خبر

و نیز در کتاب مزبور از جابر جُعْفی روایت می‌کند که گفت:

«به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم: فرج شما کی خواهد

بود؟ فرمود: هیهات! هیهات! فرج ما تحقق نمی‌پذیرد مگر

اینکه شما آزمایش شوید! باز هم آزمایش شوید! این را سه

بار فرمود تا آنجا که آلودگی برطرف شود، و پاکی بماند.»^(۱)

نعمانی از ابراهیم بن هلیل روایت می‌کند که گفت: «به حضرت موسی

بن جعفر علیه السلام عرض کردم: قربانت گردم! پدرم در آرزوی دیدار صاحب

الامر مُرد، من هم به این سن رسیده‌ام، آیا راضی می‌شوید که من هم

بمیرم و در این باره چیزی به من فرمائید؟ فرمود: ای اسحق (کنیه ابراهیم

بوده) آیا شتاب داری؟ عرض کردم: آری و الله چرا شتاب نکنم با اینکه

به این سن رسیده‌ام که می‌بینید؟ فرمود ای اسحق به خدا قسم صاحب

الامر نخواهد آمد مگر اینکه خوب و بد شما از هم امتیاز یابند و همه

امتحان بدهید و جز اندکی از شما (کسی بر این عقیده) نماند. در این وقت

حضرت کف دست خود را کوچک کرد (یعنی جمع نمود و فرمود به

این کمی).^(۲)

متواتر (کما ملئت ظلماً و جوراً) فرا گرفته، و دو سوم بشر نابود می‌گردد؟ خدا بهتر می‌داند.

۱- بحار طح ترجمه دوانی ص ۷۰۰

۲- نقل از: ح ۱۳، بحار، ترجمه: علی دوانی، ص ۷۰۰.

نیز در غیبت نعمانی از صفوان بن یحیی از حضرت امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

«وَاللَّهِ مَا يَكُونُ مَا تُمَدُّونَ أَعْيُنُكُمْ إِلَيْهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا وَتُمَيَّزُوا وَحَتَّى لَا يَبْقَى مِنْكُمْ إِلَّا الْأَنْذَرُ فَلَا أَنْذَرُ» (۱)

«به خدا آنچه که شما بسوی او چشم دوخته‌اید نخواهد آمد، مگر اینکه! پاک شوید و امتحان دهید و از هم امتیاز پیدا کنید، تا اینکه به جز اندکی و از آن هم اندک تر کسی از شما نماند.»

در غیبت نعمانی از ابو بصیر روایت کرده که گفت: از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود:

«به خدا قسم تمیز داده می‌شوید و آزمایش خواهید شد به خدا قسم غربال می‌شوید، چنانکه دانه تلخ با غربال از گندم جدا می‌شود.»

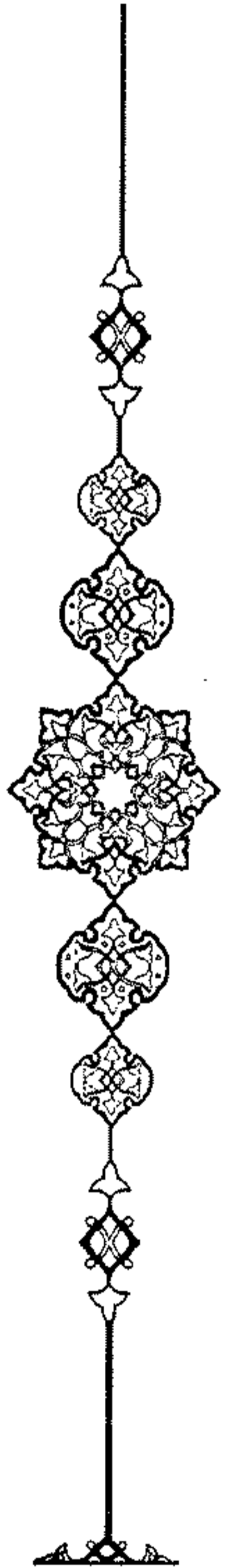
و هم در کتاب مذکور از امام حسن مجتبی علیه السلام روایت نموده که فرمود:

«این امر که مردم انتظار آنرا می‌کشند پدید نمی‌آید مگر بعد از آنکه بعضی از شما از بعضی دیگر بیزاری جویند و

بعضی آب دهان بصورت دیگران بیندازند و یکدیگر را لعنت کنند و بعضی از شما بعضی دیگر را دروغگو بنامند».

و هم در آن کتاب از مالک بن حمزه روایت می‌کند که امیرالمؤمنین علیه السلام به وی فرمود:

«ای مالک چه حالی خواهی داشت هنگامیکه شیعیان اینطور با هم اختلاف پیدا کنند، انگشتان مبارک خود را در هم فرو برد (یعنی به جان هم بیافتند) عرض کردم: یا امیر المؤمنین! در آن موقع خیری نیست فرمود: تمام خیرها در آن موقع است. ای مالک در آن موقع قائم ما قیام می‌کند، و هفتاد مرد را که بر خدا و رسول دروغ بسته‌اند می‌آورد و همه را به قتل می‌رساند، ثُمَّ يَجْمَعُهُمُ اللَّهُ عَلَىٰ أَمْرٍ وَاحِدٍ آنگاه خداوند همه مردم را بر یک عقیده گرد آورد».^(۱)



۱- مقصود حکومت واحد جهانی و اعتقاد به تنها دین الهی و قانون آسمانی، یعنی دین مقدس اسلام است که دولت عالمگیر مهدی موعود جهان تحقق خواهد یافت، و معنی ان الدین عندالله الاسلام مصداق پیدا می‌کند.

□ وظیفه شیعیان در زمان غیبت چیست؟

نعمانی رحمة الله علیه در اینجا می‌گوید: نگاه کنید به شیوه ائمه علیهم‌السلام و دستوری که به ما داده‌اند و ببینید چگونه در پیشامدها صبر می‌کردند! و خود و شیعیان را از خطرهای حفظ می‌نمودند، و منتظر فرج بودند و می‌گفتند: آنها که در این خصوص شتاب می‌کنند به هلاکت می‌رسند و گمراه می‌گردند. (۱)

و نیز نعمانی: در کتاب غیبت: از ابو بصیر و او از حضرت صادق علیه‌السلام روایت می‌کند که روزی فرمود:

«آیا شما را از چیزی مطلع نگردانم که خداوند عمل بندگانش را جز بوسیله آن نمی‌پذیرد؟ من گفتم: بفرمائید بدانیم آن چیست؟»

فرمود: آن گواهی دادن به یگانگی خدا و رسالت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اعتقاد به آنچه خدا فرموده و دوستی ما و بیزاری از دشمنان ما ائمه و تسلیم در

۱- بحار، ج ۱۳، ط ح، ترجمه: دوانی، ص ۷۳۳.

برابر آنها و پارسائی و کوشش در امر دین و صبر و انتظار برای ظهور قائم ماست» (۱).

آنگاه فرمود: ما را دولتی است که هرگاه خداوند بخواهد آنرا می‌آورد سپس افزود؛ هر کس مشتاق است که از یاران قائم ما باشد، باید منتظر ظهور او باشد و پرهیزکاری پیشه سازد و دارای اخلاق نیکو باشد. و بدینگونه انتظار آن روز کشد. اگر در این حالت بمیرد و بعد از مرگ او، قائم علیه السلام قیام نماید، ثواب کسی را دارد که آن حضرت را درک کرده است. پس سعی کنید و منتظر باشید، خوش بحال شما ای مردمی که خداوند شما را مشمول رحمت خود گردانیده است. (۲)

□ انتظار فرج یعنی چه؟

انتظار فرج که در اخبار بیان شده و ما بصورت خیلی مختصر آن را بازگو می‌نمائیم.

انتظار فرج، یکی از موضوعات بسیار جالب و حساس زندگانی حضرت ولی عصر (عج) است. ممکن است بعضی از خوانندگان سؤال کنند چرا پیشوایان ما تا این اندازه اهمیت به انتظار فرج داده‌اند و آنرا به ما سفارش کرده‌اند؟

۱- می‌گوئیم؛ انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان و

۱- همان.

۲- همان منبع.

تشکیل دولت حقه آل محمد صلی الله علیه و آله و حکومت جهانی آخرین سفیر الهی.

۲- انتظار فرج یعنی مهیا ساختن روح و جسم خود برای روزی که با طلوع پیشوای غائب جهان، گشایشی در کلیه شئون زندگی بشریت پدید می آید روزیکه تمام بدبختیها، ناکامیها، نابسامانیها بیدادگریها، از میان برود و فقر و تنگدستی، بیکاری و بیماری رخت بر بندد، روزی که بر اثر اجرای صحیح دستورات دین جاویدان اسلام و احکام حیات بخش و تعالیم خرد پسند قرآن مجید توسط امام زمان حجت بن الحسن العسکری ارواحنا فداه دیگر کسی برای مال و جاه دنیا برادرکشی نمی کند، و خونریزی راه نمی اندازد. کینه یکدیگر را به دل نمی گیرند، و برای زندگی بهتر، اجتماعی را به خاک و خون نمی کشند، همه با هم متحد و برادر و برابر خواهند بود؛ مرزها برداشته می شود و بوسیله خود آن حضرت حکومت واحد جهانی در سراسر گیتی برقرار می گردد. آری برای چنین روزی از هم اکنون و خیلی بیشتر باید انتظار کشید و امیدوار بود. امید برای پیروزی حتمی و کامل حق بر باطل، انتظار برای اجرای حق و عدالت، امید برای از میان رفتن ظلم و زور و ستم!

در غیبت نعمانی: از فضیل بن یسار روایت کرده که از امام جعفر صادق علیه السلام پرسیدم مقصود از آیه «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمامِهِمْ»^(۱) چیست؟ فرمود: ای فضیل: امام خود را بشناس که شناختن او ضروری به تو

نمی‌رساند خواه این امر زود واقع شود و خواه بتأخیر افتد.

کسیکه امام خود را بشناسد و سپس پیش از قیام صاحب الامر بمیرد، مثل کسی است که در لشکر او نشسته است، نه بلکه مانند کسی است که در زیر پرچم او نشسته باشد بعضی از اصحاب اینطور روایت کرده‌اند: مثل کسی است که در رکاب پیغمبر ﷺ شهید شده باشد.

و نیز در کتاب: غیبت نعمانی از ابو بصیر نقل کرد که گفت به آنحضرت گفتم: قربانت گردم، فرج و گشایش کار شما اهل بیت کی خواهد بود؟ فرمود: ای ابو بصیر! تو از کسانی هستی که چشم به دنیا دارند. هر کس صاحب الامر را بشناسد، انتظار ظهور او، برای وی گشایش و فرج است (۱)

در کتاب نعمانی از اسماعیل بن محمد خزاعی روایت نموده که گفت: ابو بصیر از حضرت صادق علیه السلام سئوالی کرد که من هم می‌شنیدم وی گفت:

آیا من قائم علیه السلام را درک می‌کنم؟ فرمود ای ابو بصیر! مگر تو امام خود را نمی‌شناسی؟ عرض کرد: بلی و الله! شما امام من هستید. حضرت دست او را گرفت و فرمود: ای ابابصیر به خدا قسم تو از اینکه در سایهٔ ایوان قائم شمشیرت را بدست گیری باک نداری. (۲)

یعنی تو هرگونه آمادگی برای ظهور و جانبازی در راه قائم علیه السلام ما را

۱- نقل از کتاب مهدی موعود: ترجمه علی دوانی، ص ۷۳۶.

۲- همان.

داری.

و نیز در غیبت نعمانی از فضیل بن یسار نقل می‌کند که گفت از امام محمد باقر علیه السلام شنیدم می‌فرمود: «کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد (امام خود را نشناسد) همچون مردم عهد جاهلیت مرده است. و کسیکه بمیرد در حالیکه امام خود را می‌شناخته زیانی نبرده. خواه ظهور امام زمان زود واقع شود یا به تأخیر بیافتد، و هر کس بمیرد و امام خود را بشناسد مانند کسی است که با مهدی منتظر (عج) در خیمه‌اش بوده است. و نیز در غیبت نعمانی از عمر و بن ابان روایت کرده که گفت شنیدم امام صادق علیه السلام می‌فرمود:

علامت ظهور قائم آل محمد را بشناس که اگر آنرا بشناسی ضرری به تو نمی‌رساند خواه این امر واقع شود یا به تأخیر بیافتد. خداوند عالم می‌فرماید: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ» یعنی: روز قیامت هر دسته‌ای را با امام خودشان می‌خوانیم پس هر کس امام خود را بشناسد مانند کسی است که در خیمه مهدی منتظر (عج) بوده است.

خرّاز قمی در کفایة الأثر با اسناد سابق در باب روایاتی که در خصوص امام دوازدهم رسیده است از جابر بن عبدالله انصاری از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «حجت خدا از نظر آنها غائب می‌گردد و نام برده نمی‌شود، تا آنکه خداوند او را ظاهر گرداند پس وقتیکه خداوند او را آشکار ساخت زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد.» سپس فرمود: خوشا بحال آنان که در



غیبت وی پایدارند. خوشا بحال کسانی که در راه روشن خود ثابت قدم می‌مانند. اینانند که خداوند درباره‌شان فرمود است:

«وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (۱)

فرموده:

«أُولَئِكَ حِزْبُ اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (۲)؛ اینان

طرفداران خدا هستند، بدانید که طرفداران خداوند
رستگارانند. (۳)

نعمانی در تفسیر خود با سند خود که در کتاب بحار نقل خواهیم کرد روایت کرده که امیر المؤمنین علیه السلام گفت: پیغمبر به حق فرمود: «یا اباالحسن شایسته است که خداوند گم‌شدگان را وارد بهشت کند سپس امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مقصود پیغمبر صلی الله علیه و آله مؤمنینی هستند که در زمان غیبت به سر می‌برند و از امامی که جایش نامعلوم و خودش از نظر غائب است، پیروی می‌نمایند. آنها عقیده به امامت او دارند. و به ذیل عنایتش چنگ می‌زنند، و منتظر آمدن او هستند و یقین به وجود او دارند و شکایتی ندارند، و بردبار و تسلیم خواسته‌ترند، و از این جهت گم شده هستند که از یافتن مکان امام خود و از شناختن شخص او گم شده‌اند. (۴)

۱- سوره بقره، آیه ۶.

۲- سوره مجادله، آیه ۲۲.

۳- به نقل از مهدی موعود، ص ۷۴.

۴- همان.

نکته: دلیل بر این مطلب اینست که وقتی خداوند خورشید را که راهنمای اوقات نماز است از نظر بندگانش بپوشاند، آنها می‌توانند وقت نماز را به تأخیر بیاورند تا موقعیکه آشکار می‌شود وقت برای آنها روشن گردد و یقین کنند که ظهر شده است.

همینطور کسی که منتظر آمدن امام است و چنگ به دامان او زده، هم تمام واجبات و فرایض الهی را بعهدہ دارد که انجام دهد و وقتی انجام داد از او پذیرفته است و با غیبت امام از معنی واجب بودن بیرون نمی‌رود و این بنده هم صبر می‌کند و نظر برحمت حق دارد و غیبت امامش ضرری بعقیده او نمی‌رساند.

شیخ طوسی در امالی از یحیی بن علا از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر مؤمنی شهید است و اگر در رختخواب بمیرد شهید است و مانند کسی است که در لشکر امام علیه السلام جان بدهد آنگاه فرمود: آیا سزاوار است که او خود را وقف خدا کند و داخل بهشت نشود؟ (۱)

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعْزِبُنَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدِلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ».

در کتاب دعوت، از راوندی روایت کرده که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِنْتَظِرُ الْفَرَجَ بِالصَّبْرِ عِبَادَةً»؛ انتظار فرج با صبر و بردباری عبادت است. (۲)

۱- نقل از مهدی موعود، ص ۷۴۱.

۲- همان مأخذ، ص ۷۴۱.

صدوق در کمال الدین از جابر جعفی از امام ششم روایت نموده که فرمود: زمانی بر مردم خواهد گذشت که امام آنها از نظرشان غائب گردد. خوشا بحال آنها که در آن زمان بر عقیده خود نسبت بما ثابت می‌مانند. کمترین ثوابی که آنها دارند اینست که خداوند متعال آنها را با این کلام صدا زند: بندگان من! که ایمان بمن آوردید و غیبت مرا تصدیق کردید، شما را بثواب نیکوی خود مژده میدهم شما بندگان و کنیزان حقیقی من هستید عبادت شما را می‌پذیرم و از تقصیرات شما می‌گذرم و شما را می‌آموزم و بخاطر شما بندگانم را از باران سیراب می‌کنم و بلا را از مردم برطرف می‌سازم، اگر برای خاطر شما نبود عذاب خود را بر آنان که (در بد بینی و غفلت و معصیت بسر می‌برند) فرو میفرستادم، جابر گفت: عرض کردم یا بن رسول الله بهترین کاری که شخص با ایمان در آن زمان می‌تواند انجام دهد چیست؟ فرمود: حفظ زبان خود و ماندن در خانه. (۱) زرارة بن اعین (۲) روایت نموده که گفت از حضرت صادق علیه السلام شنیدم می‌فرمود: قائم علیه السلام پیش از قیامش غیبتی دارد. عرض کردم: برای چه غائب می‌شود؟ فرمود: می‌ترسد، در این وقت با دست اشاره بشکم خود

۱- مهدی موعود، ص ۷۴۲.

۲- زرارة بن اعین شیبانی از مردم کوفه و شاگردان عالی‌مقام حضرت باقر و صادق علیه السلام در فقاہت و دیانت و وثاقت و علم و فضل در میان انبوه شاگردان ائمه اطهار نظیر نداشته است. روایت شده که امام صادق علیه السلام به فیض بن مختار فرمود: هر وقت طالب حدیث ما شدی از این شخص نشسته اخذ کن و اشاره بزواره فرمود. و هم فرمود اگر زواره نبود می‌گفتم احادیث پدرم از میان می‌رود.

فرمود (یعنی می ترسید شکمش را پاره کنند) سپس فرمود: ای زراره! او همان منتظر است و همان است که مردم درباره ولادتش تردید می کنند! بعضی می گویند او هنوز در شکم مادر است. و برخی می گویند: او غائب است و عده ای هم می گویند او هنوز متولد نشده است، و جمعی می گویند دو سال پیش از وفات پدرش متولد شده است اوست که مردم در انتظار وی می باشند ولی خداوند دوست دارد شیعیان را بدینوسیله امتحان کند. در آن موقع است که اهل باطل دچار شک می شوند.

زراره می گوید: عرض کردم: قربانت کردم! اگر من آن زمان را درک نمایم چه کار کنم؟ فرمود: ای زراره اگر آن روز را درک کردی پیوسته این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي نَبِيَّكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَن دِينِي».

«یعنی: پروردگارا خود را بمن بشناسان اگر خود را بمن نشناسانی نمی توانم پیغمبرت را بشناسم، پروردگارا! پیغمبرت را بمن بشناسان که اگر پیغمبرت را بمن نشناسانی نمیتوانم حجت تو را بشناسم پروردگارا حجت خود را بمن بشناسان، که اگر حجت خود را بمن نشناسانی دین خود را از

دست می دهم».

مرحوم صدوق رحمه الله در کمال الدین از عبدالله بن سنان روایت می‌کند که حضرت صادق علیه السلام فرمود: عنقریب شبهه‌ای برای شما پدید می‌آید که نه علامتی برای یافتن راه (حق) هست و نه امامی که (شما را) راهنمایی کند کسی جز آنها که دعای غریق می‌خوانند از آن ورطه نجات نمی‌یابند عرض کردم: دعای غریق چگونه است؟ فرمود: می‌گوئی:

«يا الله يا رَحْمَنُ يا رَحِيمَ يا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ. عرض کردم: «يا مُقَلِّبَ القُلُوبِ وِ الْأَبْصَارِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ فرمود: خداوند مقلِّب القُلُوبِ وِ الْأَبْصَارِ است، ولی اینطور که من می‌گویم بگو: يا مُقَلِّبَ القُلُوبِ ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَي دِينِكَ». (۱)

ملا عبد الرزاق کاشانی (م ۷۳۵) نقل می‌کند: استاد قیصری که از شارحان نخستین فصوص به شمار می‌رود «خاتم الاولیاء» را بر حضرت مهدی علیه السلام منطبق دانسته و گفته است او در آخر الزمان خواهد آمد، او در احکام شرع تابع و پیرو حضرت محمد صلی الله علیه و آله و در معارف و علوم حقیقی همه پیامبران و اولیاء تابع او می‌باشند، زیرا باطن حضرت محمد صلی الله علیه و آله است، از این رو گفته شده او حسنه‌ای از حسنات سید المرسلین است چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نام او نام من و کُنیه‌ی او کُنیه‌ی من است و «مقام محمود» از آن اوست. (۲)

۱- همان مأخذ، ص ۷۴۵.

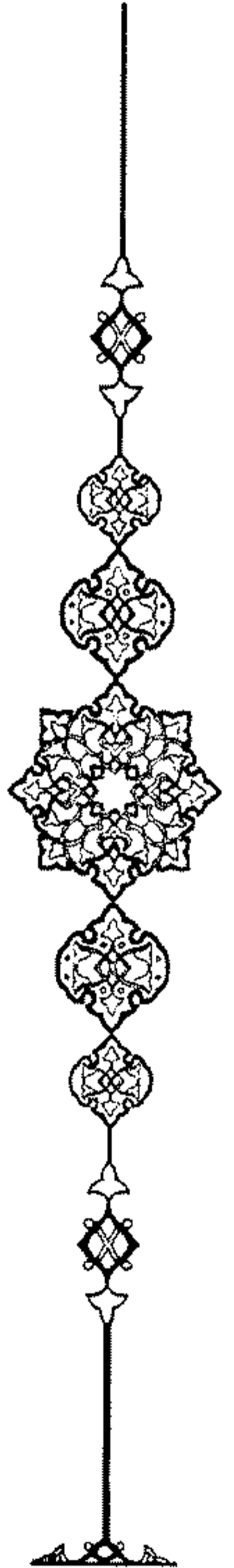
۲- کاشانی ذیل فص شیشی، به نقل از جرعه‌ای از اقیانوس زندگی نامه مرحوم حاج شیخ مهدی امامی مازندرانی، ص ۱۶۰.

نظر آقا سید حیدر آملی (متولد ۷۱۹ هـ ق)

سید حیدر عارف شیعی نامدار که از اعاجیب و فرهیختگان و اهل کشف و شهود به شمار رفته است نه تنها در برابر ابن عربی در این زمینه به چالش ایستاده بلکه در برابر سخنان قیصری در شرح نیز با چند دلیل از عقل، و نقل و کشف ایستاده و گفته است: چرا قیصری چنین سخنانی بر قلم جاری کرده و حال آنکه شیخ و استاد او یعنی شیخ کامل پژوهشگر کمال الحق و الملة و الدین عبد الرزاق کاشانی در اینجا گفته است:

تنها حضرت مهدی علیه السلام «خاتم الاولیاء است» زیرا آن حضرت باطن پیامبر صلی الله علیه و آله است و پیامبر منبع ولایت مطلقه کلیه است.

نتیجه این که عرفای شیعه و بسیاری از عرفای اهل سنت «ختم ولایت» را در اهل بیت علیهم السلام خاطر نشان ساخته و بر این مطلب گواهی داده‌اند از جمله جنید بغدادی، سعد الدین حموی، صدرالدین قونوی، سری سقطی،



معروف کرخی، شبلی، عبدالرزاق کاشانی و... (۱)

ابن عربی می‌نویسد هیچ کس از پیامبران و فرستادگان جز از مشکاة و شمع فروزان خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نمی‌تواند حق تعالی را مشاهده کنند، چنان که هیچ فردی از اولیاء جز از مشکاة و آفتاب درخشان «ولی خاتم» نمی‌تواند جمال را مشاهده کند که حتی پیامبران وقتی بخواهند آفتاب بی مثال جمال حق را مشاهده کنند تنها از راه «خاتم الاولیاء» مشاهده می‌کنند. وی در فراز دیگر می‌نویسد خاتم پیامبران حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از حیث ولایت خویش نسبتش با خاتم الاولیاء مانند نسبت سایر پیامبران و فرستادگان است با او، (حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) زیرا آن حضرت هم رسول خدا است و هم ولی خدا اما «خاتم الاولیاء» تنها ولی وارث است که این مقام را از جایگاه اصلی می‌گیرد و مراتب اسماء الله را مشاهده می‌کند و می‌نگرد ابن عربی فرق می‌گذارد میان «ختم ولایت محمدی» و ختم ولایت عامه یعنی ولایت را به ختم ولایت محمدی و ختم ولایت عامه تقسیم پذیر می‌داند (۲) وی در کتاب «عَنْقَا مُغْرَب» هم حضرت عیسی و هم حضرت مهدی (عج) که رسول خدا آن را ذکر فرمود به عنوان ختم الاولیاء معرفی کرد از این سخنان ابن عربی به سهولت بدست می‌آید که مراد او از خاتم ولایت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که او ختم کننده ولایت اولیا

۱- جامع الاسرار، ص ۴۳۱ تا ۴۴۱، با کوشش هنری کرین عثمان اسماعیل

یحیی، تهران، ۱۳۴۷، ش ۱۹۶۹ م.

۲- فتوحات مکه، ج ۲، و ص ۵ و ۹، طبع بیروت.

(حضرت عیسی) است، حضرت علی بن ابیطالب تا حضرت مهدی علیه السلام می باشد. (۱)

(سِرِّ خدا که سالک عارف به کس نگفت

در حیرتم که باده فروش از کجا شنید) (۲)

* * * * *

چون خدا در سدره با او راز گفت

راز او را مرتضی هم باز گفت

آن صدایی که نبی از حق شنید

جز صدای مرتضی چیزی ندید

حاج شیخ مهدی امامی مازندرانی (ره) در حاشیه به تفسیر شریفی

دست یازدیده که بعضاً آورده می شود:

در این سخن رازگون ابن عربی اشارات فراوانی به وجود

«خاتم الاولیاء» است یعنی این ولایت مقید نیست تا قابل انطباق بر افراد

متعدد باشد، جزئی نیست تا هر کسی درجه‌ای و بخشی از آن را دارا باشد

بلکه مطلق است به اطلاق کلی سعی و گسترش وجودی، زیرا آینه تمام

نمای اسم بزرگ «ولی» نام مبارک حضرت حق است و «هُوَ الْوَلِيُّ

۱- همان منبع، ص ۵۵۷ و جرعه‌ای از اقیانوس زندگینامه مرحوم حاج شیخ

مهدی امامی مازندرانی، ص ۱۵۹.

۲- حاشیه قمش‌های، بر فص شیشی.

الْحَمِيد»^(۱) و «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ»^(۲) «وَأِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ»^(۳) کسی که آینه‌ی تمام‌نما است انسان کاملی است به نام رسول و پیامبر که در میان نوع انسانها (در اصطلاح عرفا) به حقیقت جامع، خوانده می‌شود و به تعبیر دیگر او همان حقیقت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که با او به عنوان «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ خُلِقَتْ» آغاز شد قال رسول الله: «أَوَّلَ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي»^(۴) چنانکه فرمود: «خَلَقَنِي اللَّهُ تَعَالَى وَ أَهْلُ بَيْتِي مِّنْ نُورٍ وَاحِدٍ وَ سَائِرُ تَعَابِيرٍ... عَارِفِ بزرگوار امیر کلائی در تشریح و توصیف سخن که آن را چون دُرِّ یکتا می‌داند می‌گوید: حقیقت جامعه که همان حقیقت محمدی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است در جان همه پیامبران و اولیاء الهی تجلی یافته است؛ زیرا خاستگاه آن اسم جاودان ولی حمید است، این اسم هیچ‌گاه بدون مظهر نخواهد بود، جلوه‌گاه اتم آن حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است چنان که فرمود: «كُنْتُ نَبِيًّا وَ آدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ»^(۵) او از ناحیه زمان و ولادت گرچه فرزند آدم است لیکن از ناحیه شرافت، فضیلت و جامعیت، نخستین مخلوق است و همه کمالات وجودی را دارا است.

۱- سوره شوری، آیه ۲۸.

۲- سوره بقره، آیه ۲۷۵.

۳- سوره مائده، آیه ۵۵.

۴- بحار، ج ۲۵، ص ۱۶ و ۱۹۲.

۵- مقدمه آشتیانی بر قیصری، ص ۲۲۲، ۲۲۴.

من به صورت گرچه ز آدم زاده‌ام لَيْكَ مَعْنًا جِدُّ جَدُّ افْتَادَهُام
 حاج شیخ رحمة اله علیه تا بدینجای شرح و تفسیر می‌پردازد که اسماء
 و صفات پروردگار یعنی ارزشهای والا به عنوان حقیقت ولایت (حقیقت
 جمعی) که جامع کمالات ربوبی است همه در پیامبر گرد آمده بود
 «أَوْنَتْ جَوَامِعُ كَلِمٍ» و کسانی که به پیامبر ﷺ شناخت کامل داشتند
 می‌گفتند یا رسول الله «أَوْتَيْتَ عُلُومَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ»^(۱) دانش
 پیشینیان و پسینیان همه بتو داده شده او صاحب ولایت کلی الهی و
 بزرگترین آیت و نشانه‌ی خداوند در جهان امکان تجلی یافت. بعد از او
 این مقام (ولایت) در اوصیای او به عنوان «ولایت خاص محمدی ﷺ» به
 منصفه ظهور رسید و در دو قوس نزول و صعود دوازده برج عصمت و
 امامت تجلی گاه این خورشید فروزنده گشت، شش برج در مرتبه نزول و
 شش برج در مراتب و درجات صعود، خاستگاه نخستین آن در قوس
 نزول جان حضرت ولایتمدار امیر مؤمنان علی عليه السلام بود که در غدیر خم
 مفتخر بدین نشان شد.

امام مجتبی عليه السلام در خطبه‌ای فرمود:

«وَلَقَدْ رَأَوْهُ وَ سَمِعُوهُ ﷺ حِينَ أَخَذَ بِيَدِ أَبِي بَدْرٍ خَمٍّ وَقَالَ لَهُمْ: «مَنْ
 كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ» مردمان پیامبر
 را دیدند و از او شنیدند هنگامی که در غدیر خم دست پدرم (علی بن

ایطالب علیه السلام را گرفت و فرمود: هر کسی را سرپرست و صاحب اختیارش هستم، علی علیه السلام صاحب اختیار اوست، خدایا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن دار هر که دشمنش دارد.

عطار در اشعارش در این زمینه می‌گوید:

مصطفی ختم رسل شد در جهان

مرتضی ختم ولایت در عیان

جمله فرزندان حیدر اولیاء

جمله یک نورند کرد حق این ندا

و بعد از شمارش نامهای امامان اثنی عشر چنین سروده است:

صد هزاران اولیاء روی زمین

از خدا خواهند مهدی (عج) را یقین

بار الهی مهدیم از غیب آر

تا جهان عدل گردد آشکار

مهدی هادی است تاج اتقیاء

بهترین خلق برج اولیاء

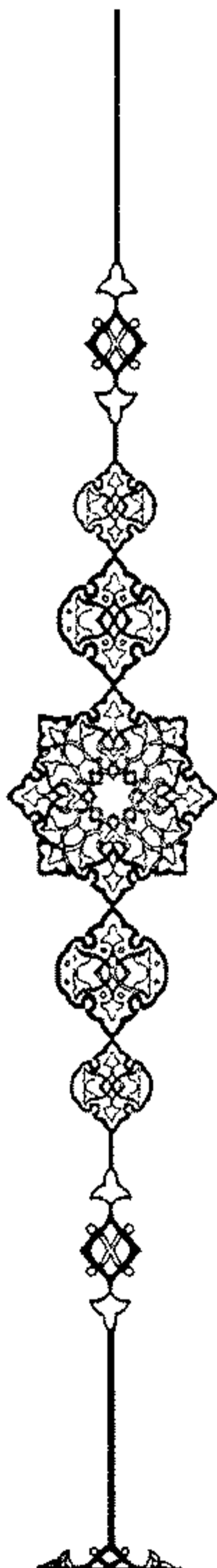
حضرت مولانا در خصوص خاتم الاولیاء نیز سروده است:

ای سرور مردان علی، مردان سلامت می‌کنند

وی صفدر مردان علی، مردان سلامت می‌کنند

با قاتل کفار گو، با دین و با دین دار گو

با حیدر کرار گو، مستان سلامت می‌کنند



با درج دو گوهر بگو، با برج دو اختر بگو

با بشر و شبیر گو، مستان سلامت می کنند

با زین دین عابد بگو، با نور دین باقر بگو

با جعفر صادق بگو، مستان سلامت می کنند

با موسی کاظم بگو، با طوسی عالم بگو

با آن تقی قائم بگو، مستان سلامت می کنند

با میر دین هادی بگو، با عسگری مهدی بگو

با آن ولی مهدی (عج) بگو، مستان سلامت می کنند

با باد نوروزی بگو، با بخت فیروزی بگو

با شمس تبریزی بگو، مستان سلامت می کنند

پیامبر مکرم اسلام ﷺ در حدیثی فرمود:

«أَنَا سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ عَلِيٌّ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ أَنَا وَصِيَّائِي بَعْدِي إِثْنِي

عَشْرَ أَوَّلَهُمْ عَلِيٌّ وَ آخِرُهُمُ الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ (۱) مِنْ سَيِّدٍ وَ بَزْرُغٍ

پیامبران هستم و علی علیه السلام سید و بزرگ اوصیاء بعد از من

است، اوصیاء من دوازده نفرند اول آنان علی علیه السلام و آخر آنان

مهدی قائم (عج) است.

ابن عربی در فتوحات به روشنی می نویسد:

«و لِلْوَالِيَةِ الْمَحْمُودِيَةِ الْمَخْصُوصَةِ بِهَذَا الشَّرْعِ الْمَنْزِلِ عَلِيٌّ قَلْبٌ

محمد ﷺ ختم خاص هو المهدی و هو فی المرتبه فوق عیسیٰ ﷺ است. یعنی برای ولایت محمدی ﷺ خصوص شرع اسلام که بر قلب محمد ﷺ نازل گشته فردی به عنوان ختم خاص به نام حضرت مهدی ﷺ وجود دارد که در مقام و مرتبه فوق حضرت عیسیٰ ﷺ است زیرا این مرتبه، اعلیٰ مراتب ولایت است، و لازمهٔ چنین مقامی آن است که «اکرم العرب یداً باشد. زیرا آن حضرت از طینت، ریشهٔ سلالهٔ رسول خدا ﷺ است و رسول خدا ﷺ صاحب خلق عظیم است، ابن عربی ویژگیهای نامبرده را در آیات زیر در نظر گرفته و چنین سروده است:

الا ان ختم الاولیاء شهید و عین امام العالمین فقید
 و هو القائم المهدی من آل احمد هو الصارم الهدی حین تبید (۱)
 حامل اسرار و ارزشهای پیشروان و آیندگان است و همه کمالاتشان را دارا است.

و در غیر او این حقایق آشکار نمی‌شود، چنان که ابن عربی به روشنی خاطر نشان ساخت که او پایان پذیر ظهورات است، آنگونه که علی بن ابیطالب ﷺ از همه کس به پیامبر ﷺ نزدیکتر و جامع اسرار همه پیامبران است.

راجع به خروج سفیانی از حضرت امام رضا ﷺ سؤالی مطرح شد

۱- در نسخه‌های کنون فتوحات «هو القائم المهدی»، تحریف شده و بجای آن هو السنید المهدی، به نگارش آمده است ر.ک، فتوحات ج ۳، ص ۳۳۸ و بعد = مثل از جرعه‌ای از اقیانوس ص ۱۷۳

راجع به خروج سفیانی: مرحوم صدوق در کمال الدین از ابن ابی عمیر و او از ابن اذنیه روایت کرده که گفت: حضرت صادق علیه السلام فرمود: پدرم فرمود: جدم امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود: پسر هند جگر خوار (سفیانی) از بیابان یا بس بیرون می آید او مردی متوسط القامه، صورتش وحشتناک و سرش ضخیم است و رویش آبله دارد. اگر او را بینی خیال می کنی یک چشمی است او از اولاد ابوسفیان می باشد او خروج می کند و به زمین آرام می آید و بر منی آن می نشیند. (۱)

آمدن سفیانی و علائم دیگر نشانه ظهور امام عصر (عج)

شیخ الطائفه در کتاب غیبت از عبدالله بن رزین از عمار یاسر روایت نمود که گفت:

دولت خانواده پیغمبر شما در آخر الزمان خواهد بود و ظهور آن دولت علاماتی دارد موقعی که این علائم را دیدید در جای خود نشسته و از هر گونه اقدامی خودداری کنید تا آن علائم بگذرد و... تا بدانجا که می فرماید سه نفر در شام قد علم می کنند، و هر سه طالب سلطنت هستند یکی از آنها سیاه و سفید است، و دیگری سرخ و سفید است، و سومی از خاندان ابوسفیان می باشد و او از نهر کلب (۲) و مردم را درد مشق حاضر می کند، و غربیان به مصر حمله می آورند وقتی آنها وارد مصر شدند، همین علامت آمدن سفیانی است.

۱- زمین آرام (ارضی ذات قرار) کوفه یا نجف است، چنانکه در اخبار به این دو شهر تفسیر شده است.

۲- نهر الکلب محلی واقع میان بیروت و صیدا است (مراصد).

خروج دجال

بعد از خروج سفیانی: قیام عبدالله (دجال) است و در سر نهر قرقیسا^(۱) به لشکر روم ترک می‌رسد و جنگ سختی در می‌گیرد و پادشاه مغرب همه جا را زیر پا می‌گذارد مردان را می‌کشد و زنان را اسیر می‌کند آنگاه به قیس^(۲) بر می‌گردد. سفیانی در جزیره فرود می‌آید، و شخص یمنی خروج می‌کند هر چه شخص یمنی و سلطان مغرب به غنیمت برده‌اند، همه را سفیانی از آنها می‌گیرد. و سپس به کوفه می‌رود و یاران آل محمد صلوات الله علیهم را به قتل می‌رساند و مردمی از ناموران آنها را می‌کشد. در آن موقع مهدی علیه السلام قیام می‌کند امیر لشکر او مردی بنام شعیب بن صالح است وقتی اهل شام دیدند مردم شام با پسر ابوسفیان بیعت کردند، همه با او به مکه می‌روند در آنوقت مرد پاکدلی از بنی هاشم به قتل می‌رسد، برادر وی نیز در مکه است ولی دسترسی به او پیدا نمی‌کنند.

شنیدن صدای آسمانی

آنگاه صدائی از آسمان شنیده می‌شود که می‌گوید ای مردم امیر شما فلانی است و این همان مهدی علیه السلام است که زمین را پر از عدل و داد

۱- قرقیسا محلی در کنار نهر فرات بوده (مراصد).

۲- قیس از قدیم بلوکی از مصر واقع در سمت غربی رود نیل بوده است (مراصد).

می‌کند چنانکه پر از ظلم و ستم شده باشد. (۱) در کتاب غیبت از عمر بن حنظله از امام جعفر صادق علیه السلام روایت نموده که فرمود: پیش از قیام قائم پنج علامت پدید خواهد آمد. ۱ - صیحه آسمانی ۲ - آمدن سفیانی ۳ - فرو رفتگی بیابان ۴ - آمدن شخص یمنی ۵ - و کشته شدن مردی پاکدل. (۲)

۱ - از کتاب مهدی موعود ح ۱۳؛ بحار، ترجمه: دوانی، ص ۸۰۳.

۲ - همان منبع، ص ۸۰۴.

انتشارات پیش منتشر کرد:

- ۱- درس زندگی (زندگی‌نامه و خاطرات زندگی چهار علامه فرزانه)، مؤلف / سید رضا حسینی.
- ۲- هشدارهای استاد شهید مطهری، مؤلف / سید رضا حسینی.
- ۳- در محضر امام علی (ع)، مؤلف / زین العابدین باکویی.
- ۴- چگونه بخوریم تا سالم بمانیم، مؤلف / سید رضا حسینی.
- ۵- عرفان ناب، مؤلف / دکتر احد باقرزاده میانجی.
- ۶- بر علی (ع) چه گذشت؟، مؤلف / سید حسین حسینی.
- ۷- نکته‌های آموزنده برای مادران آینده، مؤلف / مبارکه روحانی راد.
- ۸- نشانه‌های آخر الزمان، مؤلف / سید حسین حسینی بابلکناری.
- ۹- قافله سالار عشق، تهیه و تدوین / محمد حسنزاده بابلی.